



۲۰۱۱/۰۲/۲۸

م، نعيم بارز

اعتصاب عده محصلين پوهنځي علوم اجتماعيات بيشترېک حرکت سياسي بوده تا خواست صنفی !

هشت روز اعتصاب غذائی تعداد هفتاد نفر محصلين پوهنځي علوم اجتماعي، يا حرکت سياسي که در پوهنتون کابل به راه افتاده بود، و در واقعيت امر مغرضيني از داخل و خارج تلاش داشتند تا از آن یک بحران ديگري بر بحران طولاني دامنگير کشور بيفزايند، ظاهر موضوع را از طريق مشاهده راديو تلويزيون طلوع می توان خلص کرده و بعد تبصره و تفسير کوتاهی ارائه نمود.

یک نفر محصل به اسم اسحاق جویا به عنوان سخن گوی محصلين خواست و انگیزه اعتصاب کنندگان را تقریباً این طور بیان کرد:



۱ - « کیفیت پائین سوئیة درسی که میراث سیاه و شوم گذشته هاست باید تغییر یابد. »

۲ - « فیصل امین استاد دانشکده علوم اجتماعيات سوئیة لازم برای تدریس نداشته، چنانکه وی تاحال کدام کتاب و مقاله ای در باب تدریس مضمون خود بکدام جایی به نشر نرسانده است. »

۳ - « غلام فاروق عبدالله رئیس دانشکده علوم اجتماعيات از مدت بیست و پنج سال بدینسو رئیس بوده و شخص دارای تبعیض و سد راه اصلاحات می باشد، بناءً می باید هر دو از وظایف شان برکنار شوند. »

از قول آقای فاروق عبدالله رئیس فاکولته علوم اجتماعي:

۱ - « من بیست و پنج سال نه بلکه پنج سال می شود که رئیس فاکولته علوم اجتماعيات هستم، او اسنادی را به امضای اعضای شورای پوهنتون و جا های دیگر نشان داده گفت که خواست های محصلين اعتصابی را برحق ندانسته اند. »

۲ - او انگیزه اعتصاب را به ناکامی هفت نفر محصل که مربوط به قوم هزاره بوده نسبت داد که هر یک به سه و یا چهار مضمون ناکام شناخته شده اند. »

۳ - « محصلين عزیز آلت دست چند نفر معدود وکیلان و بزرگان قومی واقع شده اند. »

۴ - « محصلين اعتصابی می خواهند فقه جعفری شامل نصاب درسی شود ولی در پوهنتون، اسلام در کل به عنوان یک مضمون مطرح است نه مذاهب گونه گون. »

د پايو شميره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

۵ - از دو سه نفر وکیل هم نام برده شد که به قوم هزاره تعلق داشته و به پوهنتون آمده اند و به حمایت از محصلین اعتصابی سخن گفته اند، آنها کسانی هستند که قبلاً درخواست نموده بودند تا به حیث استاد در پوهنتون پذیرفته شوند ولی به دلیل اینکه دیپلومی برای حق شمول به کادر علمی را نداشتند رد شده اند.»

۶ - رئیس مذکور در مورد تبعیض، اظهار داشت که من مسلمانم و می دانم که خداوند برتری انسان ها را تنها به تقواء جایز فرموده نه به پوست سیاه، سفید، پشتون، تاجیک، و هزاره بودن.

این بود بیان فشرده ای از قول آقای اسحاق جويا سخنگوی محصلین اعتصاب کننده و اظهارات آقای فاروق عبدالله بد فاع از یک استاد و موضع ریاست فاکولته علوم اجتماعیات پوهنتون کابل و اینک ایجاب می کند تا در مورد تبصره و تفسیر فشرده ای داشته باشیم.

قبل از پرداختن به اصل موضوع باید گفت متأسفانه ایرانی های مؤظف در کار برنامه بخش فارسی و دری بی. بی. سی. اصل بی طرفی را در رویداد های میان قومی و بسی مسایل دیگر افغانستان چندان رعایت نکرده اند و حتی در همین مسأله اعتصاب یکعده محصلین پوهنتون کابل نیز بی غرض باقی نمانده اند، چنانکه نوشته اند «خواست های محصلین با حمایت گسترده گروه های مختلف اجتماعی، نهاد های حقوق بشری، جامعه مدنی و شماری از نمایندگان مجلس را همراه بوده است.»

اگر مقصد بخش فارسی بی. بی. سی. به اصطلاح از «گل» آلود کردن آب و ماهی گرفتن به نفع رژیم آخندی ایران را نداشته باشد، چطور توانستند تشخیص بدهند که از میان ده ها گروه سیاسی، حقوقی، ادبی و هزاران نویسنده و تحلیلگر همچو مسایل (اعتصاب یکعده محصل) «از حمایت گسترده» برخوردار بوده است؟ آیا از نهاد ها و جمعیت های که نامبرده شده می توانند تعداد نفرات آنرا معلوم کرده و بعد «گسترده» آنرا تشخیص نمایند؟ روشن بود که بی. بی. سی. با کسانی مصاحبه نموده که بیک قوم خاص تعلق داشته اند. توجه نمایند اگر بخاطر حق هفت نفر محصل ناکام اعتصاب هفتاد، هشتاد نفر محصلین به راه افتاد و بقول بی. بی. سی. «از حمایت گسترده برخوردار بود بعداً که صدها محصل به خاطر غیر حق بودن و بی عدالتی نسبت به برکناری استاد و رئیس فاکولته مجبور به راه اندازی مظاهره ای شده اند، چه خواهند گفت؟

بهرحال برای اینکه بحث به درازا نکشد برمیگردیم بر اصل موضوع:

جامعه افغانی که از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در اثر عوامل متعدد از جمله جنگهای طولانی داخلی و خارجی از رشد و تکامل طبیعی بازمانده و علم و عقلانیت در یک حد معین نیاز به استقرار نظام دیموکراسی بوجود نیامده، لذا ناگفته پیداست که در چنین وضع احساسات مذهبی، عواطف قومی و سنت های قبیلوی بر افکار و کردار مردم غالب و حاکم می باشد، برپائی نظام دیموکراسی در افغانستان قبل از فراهم شدن حد اقل زمینه های ذهنی و عینی بصورت شتابزده از سوی دولت های غربی و بالاخص دولت ایالات متحده امریکا تجویز گردید که مسلماً دیموکراسی و نهاد های آن صوری و فاقد محتوای لازم بودند و هستند.

وحدت ملی نسبی که قبل از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و ۷ ثور ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار شوروی در افغانستان بوجود آمده بود و آرام آرام مسیر تکاملی خود را می پیمود اما در اثر مداخلات خارجی و جنگهای میان گروهی از هم پاشید، علاوه برآن در ظرف دوازده سال اخیر باوجود حمایت جامعه ملل از افغانستان دو دولت همسایه متخاصم ایران و پاکستان با استفاده از انگیزه های مذهبی، قومی تخریبات جنایتگرانه و بیشرمانه توسط بعضی افراد و گروهک های وطن فروش را در کشور ما دنبال نموده اند که تا هنوز پایان نیافته و افراد وابسته به دولت های

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

بیگانه هر روز و در هر مورد و در هر جا می کوشند کوچکترین اختلاف میان مردم و دولت افغانستان را به جنگ و بحران تبدیل نمایند.

یکی از مثال ها همین اعتصاب محصلین فاکولته علوم اجتماعیات است که ناکامی هفت نفر محصل از قوم هزاره چنان بزرگ ساخته شد که منجر به اعتصاب هفتاد نفر گردیده، پایان دادن به آنرا محصلین مذکور مشروط به برکناری یک نفر استاد و رئیس فاکولته و تغییر سیستم تعلیمی مطرح نموده اند.

مسئولین دولت شاید بمنظور بزرگ نشدن مسأله و تأمین آرامش در ساحه پوهنتون و جلوگیری از یک بحران، خواست های محصلین را پذیرفتند، استاد و رئیس فاکولته را از وظایف شان برکنار نمودند، اما تعداد صدها نفر محصلین و استادان دیگر این تصمیم و فیصله را غیر حق و غیر عادلانه دانسته مظاهره ای به دفاع از استاد و رئیس برکنار شده به راه انداختند.

ببینید اگر ادعای هفت نفر محصل ناکام در اثر داشتن تبعیض یک نفر استاد و رئیس فاکولته حق شان تلف شده باشد و تعداد هفتاد نفر محصل دیگر از یک قوم به دفاع از حق آنها اعتصاب کرده اند، چرا قبل از آن نخواستند اند پارچه های امتحان شان مورد بررسی قرار گیرد و اگر این اقدام صورت گرفته چنانکه نتیجه را رئیس فاکولته از طریق رادیو تلویزیون طلوع توضیح داد و نماینده محصلین اعتصاب کننده به رد سخنان رئیس مذکور دلیل موجهه ارائه نداشت، پس چرا تا این حد بی جهت پا فشاری صورت می گیرد؟.

واضح است که مسأله بیشتر سیاسی است تا حقوق صنفی، و اگر اینطور نبود چرا به غیر از پوهنتون بامیان پوهنتون های دیگر در بلخ، هرات، ننگرهار و جاهای دیگر به حمایت از حقوق صنفی فرهنگی شان صدا بلند نکردند آیا خدای ناخواسته وجدان آنها بخواب رفته؟ نخیر این مسأله و موضوع بحث پوهنتون و «دانشگاه»، افغان و «افغانستانی» و غیره در همه جا و بخصوص در ولسی جرگه بخوبی قصد و نیت بحران آفرینی پیروان دولت های بیگانه را نشان میدهد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ